



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۰/۲۱

رفعت حسینی

قرضداری شعر پارسی به زر و زور

سخنوری لسان پارسی و بنابراین خوداین زبان تا وقت < روزقیامت! > مدیون زورمندان و ثروتمندان است. اگر زورورز نمی بود، بخش [گسترده و مهیج و خیلی ارزشمند!] در شعر فارسی، هیچگاه، پیدا نمی شد.

مثلاً مستزادی از مسعود سعد سلمان در تراشیدن <گیسوان ترکی مایه های > سلطان مسعود ثبت تاریخ ادبیات جغرافیای پارسی زبانان نمی شد. درین سلمانی گری برای مایه های مسعود سعد سلمان انواع گونه گون صنایع لفظی و ظرایف {علوم} بیان و بدیع به کار رفته اند.

این از سخاوت و حیثیت سترگ خایه های مسعود است که این بدعت ها در شعر

فارسی/دری/پارسی درین مستزاد عیان شده است:

عیان گشتن انصاف به کیهان

خورشید نامدار

همداستان شدن بخوردن خون

به باد وگردبادتبدیل شدن کوه

یک آدم را نشنیدن

مستزاد در مدح سلطان مسعود

مسعود سعد سلمان»

دیوان اشعار

ای کامگار سلطان، انصاف تو به کیهان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

گشته عیان
مسعود شهریاری، خورشید نامداری
اندر جهان
ای اوج چرخ جایت، گیتی ز روی و رایت
چون بوستان
چون تیغ آسمان گون، گردد به خوردن خون
همداستان
باشد به دستت اندر، از گل بسی سبک تر
گرز گران
بر تیز تگ هزبری (چابک و ماهر، دلیر)، برقی که گردد ابری
زیر عنان
کوهی که باد گردد، چون گردباد گردد
در زیر ران
پیش رفیع تختت، از طوع و طبع بختت
بسته میان
کس چون تو ناشنوده، عادل چو تو نبوده
نوشین روان
در هیچ روزگاری، کس چون تو شهریاری
ندهد نشان
در شکر و مدحت تو، پاینده دولت تو
شد همزبان
آمد بهار خرم، شد عرصه های عالم
پر گلستان
از دست هر نگاری، نیکوتر از بهاری
باده ستان
در عز و ناز و شادی، بر تخت ملک بادی
تا جاودان
///

د پانو شمیره: له 2 تر 2